

قرارگاه مقاومت را همین امروز در محله خود برپا کنید

در حالی که پویش «جان فدا» بیش از ۳۱ میلیونی شده

اکنون باید این سرمایه عظیم را از خیابان‌ها به درون خانه‌ها، مساجد و محلات آورد و برای روزهای سخت جنگ، همدل، مسلح و آماده شد



این روزها کُشور ما مورد هجوم دشمنانی قرار دارد که سابقه نسل‌کشی آنها در غزه، لبنان، عراق، افغانستان، سوریه و دیگر نقاط منطقه و دنیا را به کسرات دیده‌ایم. در این شش‌رايط، تهدید به بمباران زیرساخت‌های کشور توسط دشمنی که با افتخار از دزدی دریایی ثروت بی‌شمار آن را نادرده گرفت. ما در حال جنگ هستیم؛ این را نه سیاستمداران، که صدای انفجارها در خیابان‌های شهرهای کشور فریاد زده‌اند و هنوز این جنگ به پایان نرسیده است. ■■■

ما این جنگ را شروع نکرده‌ایم، اما به فضل پروردگار و با اتکا به ملتی که دل به دریا زده‌اند تا به پیروزی نهایی برسند، زمانی که جمهوری اسلامی ایران تصمیم بگیرد پایان خواهد پذیرفت. دشمن خط قرمزی نمی‌شناسد و ما امروز طعم تلخ این برحمی را با شهادت رهبر انقلاب، دانش‌آموزان مینابلی و لامردی، نساودنا و دیگر جاهای کشور و همچنین در محلات هدفمند به زیرساخت‌های غیرنظامی چشیده‌ایم. اما در دل همین تهدید، یک فرصت طلایی سربرآورده است و آن میلیون‌ها ایرانی است که در پویش جان‌فدا ثبت‌نام کرده و با حضور خیابانی، آمادگی خود را برای هر گونه فداکاری اعلام می‌کنند. اکنون پرسش سرنوشت‌سازان این است که چگونه می‌توان این موج خورشان را از تماشاگرانی مشوق در خیابان‌ها به بازگرائی فعال و دخیل در زنجیره تاب‌آوری در دل محله‌ها و خانه‌ها تبدیل کنیم. اگر این سرمایه عظیم مردمی سازماندهی نشود، هم توان ملی هدر رفته و هم با بحران بسر دوش دولت و امدادگران سنگین‌تر خواهد شد.

هرچند هزینه جنگ از هزینه تسلیم کمتر است، اما جنگ نیز تعارف بر نمی‌دارد. جنگ ممکن است عوارض، سختی، درد، عرق ریختن، خون دادن، غم از دست دادن نزدیکان و حتی گرسنگی داشته باشد؛ اما هرچه این مشکلات را بیشتر نادرده بگیریم، ضرباتش کاری‌تر می‌شود. در مقابل، هر چه آماده باشیم (از پیش برای قطعی برق، آب، گاز و ارتباطات یا کمبود مواد غذایی و اختلال در سیستم‌های پرداخت بانکی برنامه داشته باشیم)، تاب‌آوری مان بالاتر رفته و پیروزی نزدیک‌تر می‌شود.

این گزارش، فریاد «باید آماده شد» نیست، چراکه شکر خدا مردم آماده‌اند، بلکه یک راهنمای عملیاتی است برای اینکه هر شهروند (از مادر خانه‌داری که هر شب پرچم به دست به خیابان می‌آید تا جوانی که در فضای مجازی فعال است) بداند چگونه می‌تواند از همین امروز، با احتیاط در سیستم‌های پرداخت بانکی برنامه داشته باشد. تاب‌آوری مان بالاتر رفته و پیروزی نزدیک‌تر می‌شود.

■ **قرارگاه‌ها از خیابان به منازل ببریم**
دشمن نشان داده که به هیچ خط قرمزی پایبند نیست. از زیرساخت‌های برق تا بمب‌های آب شهری و گاز را ممکن است قطع کند. هرچند این کشور وسیع با زیرساخت‌های فراوان و توسعه‌یافته است و به هیچ شکل این زیرساخت‌ها کاملاً از بین نخواهد رفت، اما مشخص است که دشمن به دنبال این است که با این رفتارها شرایط زندگی را برای مردم ایران سخت کند و سرما و گرما را به سلاحی علیه روان مردم تبدیل کند. حتی دشمن رسانه ملی را بمباران می‌کند تا ارتباطات را مختل کند و شایعه‌های خبر را بگیرد تا در نتیجه آن، وحدت مردم از هم بپاشد. حمله مستقیم به اقتصاد خانوار با ایجاد کمبودهای مقطعی و گرانی کالا نیز آخرین تیر این ترکش است. در چنین بستری، عزیزان صنعت برق کشور ششانه روز در حال ایجاد راهکارهای پشتیبان مانند ژنراتورهای اضطراری و مسیری‌های جایگزین شبکه هستند؛ همکارانشان در صنعت گاز، آب و ارتباطات نیز با تعمیرات جراحی، نمی‌گذارند کشور از نفس بیفتد؛ اثارگران در شهر دیگری یا دیگر ادارات و سازمان نیز هر کدام به شکل دیگری پای کار هستند و همه خدمتگزاران کشور در کنار نیروهای مسلح، یک لشکر در حال بید هستند. اما همه این تلاش‌ها اگر با یک نهضت صرف‌جویی و خودپداری مردمی همراه نشود، شکست خواهد ماند.

پویش جان‌فدا نشان داد امروز بیش از ۳۱ میلیون نفر ایرانی حاضر هستند حتی جان خود را برای کشور فدا کنند. اکنون باید این انرژی را از سطح شعار به لایه عمل آورد. تصور کنید همین مادری که هر شب پرچم می‌چرخاند، فردا با مدیریت مصرف گاز و آب در منزل، بخشی از بار شبکه را کم می‌کند؛ یا پسری که در خیابان شعار می‌داد، داوطلب راه‌اندازی ژنراتور ساختمان همسایه می‌شود؛ یا بازنمستگ‌های ژنراتور ساختمان بود، مسئول تهیه لیست بیماران خاص محل می‌گردد. آن وقت است که ۳۰ میلیون جان‌فدا، تبدیل به ۳۰

■ **تشکیلات محله‌محور**

الگوی موفق دفاع مقدس به ما می‌گوید زمانی مسجد، هم پایگاه اعزام رزمنده، هم مرکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی و هم پناهگاه بمباران‌ها در محلات بود. امروز هم دولت با احیای طرح محله‌محوری، همین مسیر را در پیش گرفته. اکنون برخی از اخبار نشان می‌دهد حدود ۷۰۰ مسجد در تهران با اقلامی مانند پنل‌های خورشیدی، ژنراتور، مخازن اضطراری آب، انبار غذا

“

پویش جان‌فدا نشان داد امروز بیش از ۳۱ میلیون نفر ایرانی حاضر هستند حتی جان خود را برای کشور فدا کنند. اکنون باید این انرژی را از سطح شعار به لایه عمل آورد. تصور کنید همین مادری که هر شب پرچم می‌چرخاند، فردا با مدیریت مصرف گاز و آب در منزل، بخشی از بار شبکه را کم می‌کند یا پسری که در خیابان شعار می‌داد، داوطلب راه‌اندازی ژنراتور ساختمان همسایه می‌شود

یا فضای اسکان موقت برای شرایط بحرانی تجهیز شده‌اند که می‌توانند پشتیبان نزدیک به یک میلیون نفر باشند. اما این زیرساخت‌ها بدون نیروی انسانی سازمان‌یافته، مثل اسلحه پر بدون فشنگ است. بنابراین، گام نخست، تشکیل گروه‌های مقاومت محله‌ای با محوریت مسجد و با بهره‌گیری از ظرفیت سرای محلات، ستادهای مدیریت بحران شهرداری، گروه‌های جهادی و هیئت‌انمای ساختمان‌هاست.

امان جماعت مساجد می‌توانند در نماز جماعت، فراخوان بدهند. گروه‌های جهادی می‌توانند نیروهای داوطلب را نام‌نویسی و دسته‌بندی کنند و هر بلوک مسکونی می‌تواند یک فرمانده ساختمان از میان خود انتخاب کند و تشکیلات محلی را برای شرایط بحرانی آماده کنند.

یکی از اولین کارهایی که این تشکیلات می‌توانند انجام دهند، شناسایی آسیب‌پذیران و نقاط ضعف است. نخستین مأموریت باید تهیه نقشه آسیب‌پذیری محله باشد. مثلاً باید احصا نشود که کدام ساختمان‌ها بیش از پنج طبقه دارند و چقدر امکان دارد در صورت قطع برق، ساکنان سالمند یا معلول آنها در آسانسور یا پشت درهای بسته گرفتار می‌شوند. یا اینکه کدام خانواده بیمار دلیلی، سرطانی، اوتیسمی، مادر باردار یا نوزاد زیر شش ماه دارد که قطعی آب و برق برایشان تهدید جانی محسوب می‌شود. حتی اینکه کدام واحدهای مسکونی در معرض موج انفجار قرار دارند که پنجره‌های رو به فضای بازشان می‌تواند به تیغ‌های شیشه‌ای تبدیل شود نیز مهم است. جمع‌آوری این اطلاعات (نه در بانک‌های رسمی که در حافظه همسایه‌ها و معتمدان محل نهفته است) باید آنها را گردآوری، در دفتری ثبت و در اختیار تیم‌های واکنش سریع محلی قرار داد.

یکی دیگر از کارهای اصلی، تهیه فهرست دارایی‌ها و مهارت‌هاست. یعنی درست به موازات شناسایی تهدیدها، باید دارایی‌ها را هم فهرست کرد. اینکه کدام یک از همسایه‌ها پزشک، پرستار، داروساز یا امدادگر هلال‌احمر است، یا چه کسی برق کار صنعتی، لوله‌کش، مکانیک دیزل یا آتش‌بزرگ است یا از طرف دیگر چه کسی ژنراتور کوچک، کپسول گاز مایع ۱۱ کیلویی، پنل خورشیدی قابل حمل، بی‌سیم، موتوربرق یا مخزن آب ۱۰۰۰ لیتری دارد، باید فهرست شود و این فهرست، شناسنامه توان رزمی محله خواهد بود.

مسئله مهم بعدی، تشکیل تیم‌های تخصصی و تعیین پناهگاه‌هاست. پس از شناسایی، گروه‌ها تقسیم‌کار می‌شوند؛ مثلاً تیم آب مسئول مدیریت مخازن و تصفیه

آب است، تیم انرژی متولی ژنراتور و پنل‌های خورشیدی است، تیم امداد و بهداشتی برای کمک‌های اولیه و توزیع دارو است، تیم تدارکات برای پخت و توزیع غذای گرم وارد خواهد شد و تیم امنیت و ارتباطات برای مقابله با شایعه‌ها حفظ امنیت محل اقدام خواهد کرد. همچنین لازم است در هر ساختمان، یک راه‌روی بدون پنجره یا زیرپله بتنی به عنوان پناهگاه موقت حملات تعیین و با برجسب شیرنگ علامت‌گذاری شود.

■ **صرف‌جویی، یک سلاح تمام‌عیار راهبردی**
در اقتصاد جنگ، صرف‌جویی دیگر یک توصیه خانهداری یا اخلاق صرفی نیست؛ بلکه یک تاکتیک نظامی برای فلج کردن تحریم دشمن است. دشمن می‌خواهد با قطعی برق و آب و کمبود سوخت، زندگی روزمره را فلج کند. پاسخ ما باید نهضت صرف‌جویی باشد که فشار بر شبکه را کاهش می‌دهد، زمان تعمیرات را برای نیروهای فنی می‌خرد و منابع ازادشده را به خط مقدم جبهه نیازمندان می‌رساند.

این صرف‌جویی باید در دو سطح نهادینه شود که سطح اول آن کاهش مصرف بی‌رویه و خراج از قاعده است. اگر فقط ۱۰ میلیون خانوار ایرانی، یک لامپ ۱۰۰ واتی اضافی را خاموش کنند، قدرتی معادل یک نیروگاه‌گاز برای دوش شبکه بر داشته می‌شود. این یعنی تنفس روی سبست‌های برقی که زیر حملات دشمن زخمی شده‌اند.

در مجموع، راهکارها روشن است. مثلاً در مورد برق، باید فوراً لامپ‌های بر مصرف‌را با LED عوض کرد. وسایلی مثل ماشین لباسشویی، اتو، جاروبرقی و کولرهای گازی را فقط در ساعات کم‌بار (یعنی ۲۳ شب تا ۷ صبح) به کار بگیریم و بعد از اتمام، دو شاخه را از برق بکشیم. مودم اینترنت و تلویزیون را شب‌ها خاموش کنیم. یخچال را روی درجه‌های بالاتر تنظیم کنیم، کولر را روی دمای ۲۵ درجه بگذاریم یا از پنکه‌های کم‌مصرف استفاده کنیم.

در مورد آب، یک شیر چکه‌کن روزی ۳۰ لیتر آب را هدر می‌دهد. همین امروز همه شیرها و فلاش‌تانک‌ها را چک کنید. هنگام مسواک زدن، شستن سبزیجات یا وضو گرفتن، شسیر آب را باز نگذارید. آب سست‌وشوی برنج و میوه را جمع کنید و برای آبیاری باغچه و فضای سبز محله استفاده کنید. دوش گرفتن را به کم‌تر از ۵ دقیقه برسانید و از روش حمام حوله‌ای برای مواقع بحرانی استفاده کنید.

در مورد گاز و گرما: شعله‌های بخاری را روی حداقل تنظیم کنید و با پوشیدن لباس گرم در خانه، دمای اتاق را ۲۲ درجه پایین بیاورید. پنجره‌ها را با نوارهای درزگیر ببوشانید و پرده‌های ضخیم بیاویزید. پخت‌وپز را با درب

قابلمه و در حجم بیشتر انجام دهید تا هم زمان پخت کوتاه‌تر شود و هم سوخت کمتری مصرف شود.

در مورد بنزین و فرآورده‌های پتروشیمی؛ در شرایطی که بنزین در خط مقدم نبرد، غذای ماشین‌های لجستیک و آمبولانس‌هاست، از هر سفر درون‌شهری غیر ضروری خودداری کنید؛ کودکان را پیاده یا با وسایل عمومی به مدرسه بفرستید. کیسه‌ها و بطری‌های پلاستیکی را بارها و بارها استفاده کنید. این کیسه‌های فریزی که دوباره شسته و مصرف شود، یعنی یک بشکه نفت کمتر تولید سسوخت هواپیمای رزمی یا گازویل ژنراتور یک بیمارستان شود. این یعنی مادر خانه‌داری که دیشب در خیابان پرچم چرخاند، امروز با شستن یک کیسه فریزر، در حال مشارکت در جنگ است.

سطح دوم، تأمین ارزاق برای آسیب‌دیدگان از محل صرف‌جویی‌هاست. مسئله این است که مصرف کمتر به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید به هسان اندازه که صرف‌جویی می‌کنیم، بخشی از آن را به هنوعان خود برسانیم. این روح مومسانات و همدلی است که در دوران دفاع مقدس، محله‌ها را به یک خانواده‌بزرگ تبدیل کرد. هر خانوار می‌تواند با کمی دقت، یک سبد اضافی خوراکی درست کند و وقتی این سبد در کنار صنداسید دیگر که از سوی همسایه‌ها تهیه می‌شود جمع‌آوری گردد و به دست خانواده‌ی سرپرست یا کارگری که معازهاش در آشوب‌های جنگ تعطیل شده برسد، هم شکم گرسنه‌ای را سیر می‌کند و هم دل‌های مردرد از پای نظام و کشور گرم‌تر می‌کند. این همان جهادی است که از دل همین پویش جان‌فدا زاده می‌شود.

■ **جعبه‌ابزار یک رزمنده خط‌خانگی**

برای ۲۲ ساعت نخست بحران، شما یک رزمنده در سنسگر خانه هستید. آماده‌ان مأموریت بودن، نیازمند یک کیف اضطراری دم‌دست و شارژ است. این کیف که بر اساس تجربه جنگ‌های اخیر در منطقه شامل این موارد باشد: حداقل ۴ لیتر آب آشامیدنی به ازای هر نفر در روز (یعنی یک خانواده ۴ نفره برای ۳ روز به ۴۸ لیتر آب نیاز دارد و بهترین‌ کار، خرید گالن‌های ۲۰ لیتری است). غذای فاسدنشدنی شامل برنج، ماکارونی، کنسرو تن ماهی، کنسرو لوبیاچیتی، کنسرو درت، رب گوجه، حبوبات مانند عدس و نخود، خشکبار شامل خرما، کشمش و گردو، بیسکویت و نان محلی کاملاً خشک از دیگر موارد است. همچنین اصل خرخش انبار را اجرا کنید؛ یعنی اقلامی که تاریخ انقضای نزدیک‌تری دارند، زودتر مصرف شوند و بلافاصله



“

نخستین مأموریت باید تهیه نقشه باشد. محله باید آماده شود که کدام ساختمان‌ها بیش از پنج طبقه دارند و چقدر امکان دارد در صورت قطع برق، ساکنان سالمند یا معلول آنها در آسانسور یا پشت درهای بسته گرفتار می‌شوند یا اینکه کدام خانواده بیمار دلیلی، سرطانی، اوتیسمی، مادر باردار یا نوزاد زیر شش ماه دارد که قطعی آب و برق برایشان تهدید جانی محسوب می‌شود

با خرید مجدد جایگزین کنید. غذاهای محلی نیمه‌آماده مثل رشته‌های پلویی خشک و سبزیجات خشک شده نیز عالی هستند. برای روشنایی، ارتباطات و شارژ؛ چند چراغ قوه LED برای روشنایی، باتری نیم‌قلمی و قلمی به مقدار کافی، یک راد یو باتری خور کوچک مسوج FM، پاوربانک ۲۰ هزار میلی‌آمیری به تعداد اعضای خانواده و یک پنل خورشیدی تا شسو ۳۰ واتی برای شارژ مجدد باید تأمین شود.

در مورد کمک‌های اولیه و دارو؛ گاز استریل، بتادین، پماد سوختگی، چسب زخم، باند کشی، تورنیکه (بندآورنده خون‌ریزی‌های شدید)، قیچی، مسکن و داروهای ضروری اعضای خانواده حداقل برای یک ماه باید تأمین شود. بیماران دیابتی حتماً یک کولر باکس یا بخ خشک برای انسولین داشته باشند. کپسول آتش‌نشانی کوچک‌تر هم از یاد نبرید. همچنین کبی مدارک شناسایی، مقداری اسکناس خرد، یک چاقوی چند کاره، طباب، کبریت ضدآب، پتوی نازک امدادی، دستمال مرطوب و چند کیسه زباله محکم هم لازم است تأمین شود.

■ **پشتیبانی زیرساختی در برج‌ها**

قطع برق در ساختمان‌های بلندمرتبه، فقط تاریکی نیست. پمپ آب از کار می‌افتد و طبقات بالا بی‌آب می‌شوند. آسانسور قفل می‌کند و سالمند یا زن باردار عملاً در خانه زندانی می‌گردد. اگر ایسن وضعیت ادامه یابد، ممکن است منجر به مشکلات بسیار شدید شود. اینجاست که لازم است هر مجتمع مسکونی به یک قلعه خودکفا بدل بشود. البته بار اجرا و هزینه این خودکفایی

اکنون بر دوش خود مردم و هیئت مدیره‌هاست. اکنون اولین گزینه برای تأمین برق، ژنراتور اضطراری است. برای یک برج ۲۰ تا ۳۰ واحدی، یک ژنراتور دبیولی یا گازسوز ۲۰ تا ۵۰ کیلووات کافی است تا ژنراتور آب مرکزی، روشنایی را به‌لحا، یک دستگاه آسانسور و درب پارکینگ را فعال نگه دارد. ژنراتور پرتابل بنزینی متوسط تا ۱۸ کیلووات توان راه‌اندازی پمپ آب و چند یخچال را دارد. اما برای برج‌های بزرگ و مراکز تجاری نیاز به ژنراتورهای دیزل با قدرت بیش از ۲۰۰۰ کیلووات مخصوص است. هزینه این ژنراتورها از چند ده میلیون برای برج‌های کوچک شروع شده و به چند میلیارد برای برج‌های بزرگ می‌رسد. همچنین لازم است ژنراتور در فضای باز نصب شود تا گازهای سمی مونوکسید کربن، ساکنان را مسموم نکند و سسوخت مایع را نیز باید در مخازن دوجداره و دور از حرارت نگهداری کرد. از سوی دیگر، یک نفر از اعضای گروه مقاومت محل باید مسئول

راه‌اندازی و نگهداری آن شود و از قبل، جلسه آموزشی دیده باشد.

گزینه دوم، پمپ آب، نیر و گاه خورشیدی است. ایران سرزمین آفتاب است. نصب پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام ساختمان‌ها و مساجد، در بلندمدت یک سرمایه‌گذاری استراتژیک و کاملاً بی‌صدا و بدون نیاز به سوخت است. از ۱۵ پنل برای امورا اضطراری مانند شارژ موبایل و روشنایی چند لامپ تا اندازه‌های بزرگ ساختمانی که تا بیش از ۲۰۰۰ را شامل می‌شود برای راه‌اندازی پمپ آب و روشنایی مشاعات می‌توان استفاده کرد. برای اجرای چنین طرحی، مسجد محله می‌تواند به عنوان قرارگاه، مجوزهای اداره برق را بگیرد و نصب را با همکاری گروه‌های جهادی و بسیج مهندسی تسهیل کند.

■ **پخت‌وپز و گرماپس اضطراری**

برای روزهای سرد و تاریک، یک وعده غذای گرم خود یک عملیات روانی علیه دشمن است، چون نشان می‌دهد زندگی جریان دارد. اگر گاز شهری قطع شد، باید سراغ جایگزین‌ها برویم. در این شرایط، پیک‌نیک‌های سفری یا کپسول‌های گاز مایع ۱۱ کیلویی به همراه چراغ گازسوز سبک‌ترین گزینه است. همچنین اجاق‌های بوتان کوهنوردی، اجاق‌های الکلیسی یا منقل زغالی در بالکن و فضای باز از دیگر گزینه‌هاست، اما باید توجه کرد هرگز و به هیچ عنوان نباید از این وسایل در فضای بسته و بدون تهویه استفاده کرد، چراکه گاز مونوکسید کربن (بی‌بو و بی‌رنگ) در چند دقیقه یک خانواده را به کام مرگ می‌کشاند. لذا حتماً باید یک پنجره را باز بگذارید و یک حسگر نشت گاز در صورت دسترسی تهیه کنید. برای گرم‌بخاری‌های نفتی استاندارد، شومینه‌های هیزمی در خانه‌های ویلایی و کیسه‌خواب‌های امدادی گزینه‌های

پیشنهادی‌اند، اما باز هم تهویه، شرط اول ایمنی است.

■ **قرارگاه‌ها را هم باید ساخت**

جنگ امروز، جنگ شناختی هم هست. دشمن می‌خواهد با شایعه و ارباب‌ملت ما را در اتاق‌های تاریک سرد، دچار یأس و وحشت کند. پس یکی از مهم‌ترین سلاح‌های ما، «همد» و «همبستگی» است. تشکیلات محله‌محور دقیقاً برای این است که بگوید هیچ‌کس تنها نیست. وقتی هر کس بداند تیم الف مسئول آب محله است، تیم ب دارو‌ها را جور می‌کند، تیم ج غذای گرم را جمع‌پختی می‌کند و تیم د اخبار رسمی را به‌دست می‌رساند، ترس فلج‌کننده جای خود را به مسئولیت قدرتیبخش می‌دهد.

برای حفظ آرامش کودکان، در کیف اضطراری خود چند اسباب‌بازی کوچک، دفتر نقاشی و مداد رنگی داشته باشید. برای بزرگسالان، کتاب‌های کاغذی، یک دفتر خاطرات برای نوشتن از این روزها و بازی‌های فکری گروهی تهیه کنید. در تاریکی شب، دور هم جمع شوید و برای یادگیری یک پیروزی‌های رزمندگان و خاطرات شیرین گذشته بگویید. هر قطره اشک شوق، یک تیر به قلب روحیه دشمن است. و فراموش نکنیم که «ان تضرُّواالله یضرکم». وقتی ما با عمل و ایثار به پاری نازل خدا و مردمش می‌شاییم، نصرت الهی صدچندان نازل می‌شود. مادری که مصرف گاز امدیریت می‌کند، جوانی که داوطلبانه برق خانه همسایه بیمار را از ژنراتور تأمین می‌کند، پیرمردی که همراه خانواده شهید داده است، همگی سربازان این نصرت‌اند.

■ **چک‌لیست نهایی یک رزمنده محلی**

ما شب‌ها در خیابان‌ها با شعار جان فدا ثابت کردیم که پای کار ایران اسلامی هستیم؛ از امروز اما باید با عملیات فدائیان ثابت کنیم که می‌توانیم کشور را برای همیشه این‌سزای کنیم. برای این کار لازم است یک چک‌لیست اقداماتی که گفته شد آماده و قدم به قدم اجرا گذاشته شود. مثلاً همین امروز با امام جماعت مسجد محل از یکی از اعضای گروه جهادی تماس بگیرید و پیشنهاد تشکیل جلسه هماهنگی را بدهید. اگر شما پیشقدم شوید، ده‌ها نفر دیگر راه می‌افتند. تا فردا شب، فهرست دارایی‌ها و مهارت‌های خود و یک همسایه دیگری را روی کاغذ بنویسید. یک گالن ۲۰ لیتری آب را بر کنید و در گوشه پارکینگ بگذارید. در این هفته، مصرف برق و گاز خانه خود را ۲۰ درصد کاهش دهید. لامپ‌های اضافی را باز کنید و پاوربانک‌ها را شارژ کنید. یک کیف اضطراری کوچک کنار در خروجی بگذارید. در هیئت مدیره ساختمان، موضوع خرید یک ژنراتور اشتراکی یا پنل خورشیدی را مطرح و پیش‌فاکتور تهیه کنید و برای همیشه، هر پیمایی که در شب‌کهای اجتماعی دست به دست می‌شود را قبل از باور، با رادیو و تلویزیون یا اطلاعیه‌های رسمی تطبیق دهید. شایعه، موشکی است که دشمن مجانی شلیک می‌کند؛ با عقل و صبر، آن را در آسمان منفجر کنیم.

در پایان اینکه این جنگ را ما شروع نکردیم، اما به کوری چشم دشمنان، پایش را اما با سربلندی رقم خواهیم زد. ممکن است دشمن گمان کرده باشد که می‌تواند با خاموشی و تشنگی، ملت امام حسین (ع) را به زانو در آورد، اکنون در حالی که این ملت ثابت کرده آماده است تا جان خود را فدای ایران اسلامی عزیز کند، از سوی دیگر اقتدر توانمند و شکست‌ناپذیر که حتی فشار اوردن به آن نیز وجود ندارد. امروز قرارگاه‌های مقاومت ایران عزیز، همین خانه‌ها و مساجد است که چراغ تدبیرشان هرگز خاموش نمی‌شود و با هم‌راهی این مردم غیور و بصیر، نصرت خداوند از راه می‌رسد و پیروزی نزدیک است؛ ان‌شاءالله.